

ویروس کرونا و عدل الهی و ارتباط آن با مسئله شرور طبیعی و اخلاقی

نویسنده: حجت الاسلام دکتر غلامعلی سنجرى^۱

بذیرش: ۱۳۹۹/۰۸/۰۱

دریافت: ۱۳۹۹/۰۵/۱۳

چکیده

وجود شرور در عالم همواره ذهن بشر را به خود مشغول کرده است و از جمله متدینان که به دنبال فلسفه‌ای می‌گردند تا با اوصاف خدای حکیم و عادل در تضاد نباشد. منکران نیز این مسئله را پناهگاه خوبی برای الحاد یافته و در هر زمان با پیدایش شر جدید به اعتقادات دینداران می‌تازند و باعث ایجاد شبهه و یا بی‌دینی برخی می‌شوند. از طرفی، ویروس نوظهور کرونا یکی از مصادیق شرور طبیعی و یا حتی شرور اخلاقی می‌تواند باشد که جواب‌هایی که به مسئله شر داده می‌شود، می‌تواند جواب این ویروس و ویروس نیز باشد. کرونا مانند دیگر پدیده‌های عالم، لازمه لاینفک طبیعت است و مثل سیل و زلزله از قوانین طبیعی تبعیت می‌کند و از آن‌جا که کره زمین بهترین زیستگاه انسان است و انسان در این کره خاکی می‌تواند به کمال برسد، پس هر چیزی که در این کره وجود دارد، خیر آن بیشتر از شرش است؛ از این رو خداوند با اراده تکوینی به آن اجازه ورود داده است.

بر این اساس، در تحقیق حاضر تلاش شد علاوه بر جواب‌هایی که از رهگذر پاسخ به شرور طبیعی و اخلاقی داده شد، استفاده شود؛ هم‌چنین به بیان برخی فواید آشکار ویروس کرونا پرداخته شد و عدم منافات وجود چنین ویروسی با وجود عدالت الهی به اثبات رسید.

واژگان کلیدی: عدل الهی، شر طبیعی، شر اخلاقی، ویروس کرونا

مقدمه

مشاهده گریستن مصیبت دیدگان حوادث مثل مرگ و میر ناشی از ویروس کرونا و شنیدن شکوه مردمان داغ دیده از نامردمی و یا اعتراض انسان‌هایی که از اقبال بد و نامیمون بودن زمانه می‌نالند

- حاکی از طرح مجموعه از پرسش‌ها برای انسان است؛ پرسش‌های از این قبیل که:
- چرا مصیبت باید برای من اتفاق بیفتد؟
- چه گناهی انجام داده‌ام که گرفتار چنین بلائی شده‌ام تا جایی که تمام هستی‌ام برباد رود؟
- بچه من چه گناهی داشت؟
- چرا جلوی ظلم ظالمان را خداوند نمی‌گیرد؟
- چرا جامعه بشری مشمول عذاب ویروس کرونا شد؟

۱. استادیار و عضو هیئت علمی جامعه المصطفیٰ ﷺ العالمية، ghsanjari1351@gmail.com

- چرا فلانی که انسان خوبی بود، با این ویروس کشته شد و حتی تشییع جنازه‌ای هم برای او برگزار نشد؟
- هدف خداوند از واقع شدن ویروس کرونا چیست و تا کی این ویروس جولان می‌دهد؟
- اگر مقصود خداوند از ساخت این ویروس نزدیکی بندگان به خداست، ما چنین بندگی اجباری نمی‌خواهیم.
- تا کی باید این وضع را تحمل کنیم و صبوری داشته باشیم؟

مردم با طرح این پرسش‌ها و سایر پرسش‌های مشابه، به دنبال راهی برای تسکین و یا به دنبال دلیلی قانع کننده برای رخداد این وقایع هستند؛ اما به نظر می‌رسد مجموعه این پرسش‌ها در یک پرسش راهبردی دنباله‌دار قابل طرح است و آن این‌که:

- شرور اعم از طبیعی و اخلاقی چیست و چرا به وجود می‌آیند؟ آیا پاسخی قانع کننده برای چیستی و چرایی این شرور وجود دارد؟ آیا وجود این شرور با علم، قدرت و خیر محض بودن خداوند که در ادیان توحیدی آمده، منافات ندارد و در تناقض نیست؟

بنابراین، در این مقاله با روشن شدن معنی شر و این‌که شرور مصادیق فراوانی در عالم دارد که ویروس کرونا یکی از آن‌ها است؛ به فلسفه شرور با نگاهی کلامی اعم از کلام قدیم و کلام جدید پرداخته می‌شود.

بیان مسئله

شرور و مباحث مربوط به آن از جمله مباحث مهم در فلسفه دین است. این مسائل از دو سو با مباحث خداشناسی مرتبط است:

- با صفات خداوند؛ چرا که جواب این‌گونه شبهات را می‌توان در کلام قدیم جستجو کرد.
- تضاد با وجود خداوند؛ چرا که می‌توان جواب و یا اصل شبهه را در کلام جدید جستجو کرد.

به طور کلی، متکلمین از دیرباز برای اثبات عدالت خدا به این مسئله پرداخته و جواب‌های گوناگونی به بحث شرور و چالش‌هایی که به واسطه آن به وجود می‌آید، داده‌اند تا کسی نتواند این مسئله را قرینه‌ای بر عدم عدالت خداوند قرار دهد که نسبی بودن و یا عدمی بودن شرور و لازمه خیر دانستن شرور، برخی از جواب‌ها و رویکردهایی است که در این مقاله به آن پرداخته می‌شود.

از طرف دیگر، برخی فیلسوفان جدید در فلسفه دین نیز با بررسی مسئله شرور با عنوان «مسئله منطقی شر» قصد دارند با ترکیب چهار قضیه اعم از وجود شرور، خیر محض بودن خدا، قدرت مطلقه خدا و علم محض الهی به این نتیجه برسند که جمع این چهار قضیه با هم به تناقض منجر شده که نتیجه عدم وجود خداوند از آن را منطقی می‌دانند. این مسئله و حل آن تا به آنجا اهمیت دارد که به تعبیر برخی مأمَن و پناهگاه ملحدین شده و به واسطه مسئله شر به انکار خدا دست یازیده و بسیاری را گمراه کرده‌اند.

بر این اساس، فرضیه این پژوهش عبارت از گزاره زیر است:

- تمام شروی که در عالم است از جمله ویروس کرونا، دارای فلسفه‌ای هستند.

بنابر این فرضیه، سؤال‌های پژوهش به شرح زیر است:

۱. آیا کرونا با عدل الهی منات دارد؟
۲. آیا کرونا با وجود خداوند در تضاد است؟
۳. پاسخ حل و عقدی به شروری مثل ویروس کرونا چیست؟

پیشینه پژوهش و نوآوری آن

در بیشتر کتب کلامی وجود شرور به عنوان مسئله‌ای که می‌تواند عدل الهی را خدشه دار کند و یا حتی وجود خدا را زیر سؤال ببرد، توسط اندیشه‌وران بحث شده است. رویکرد کلام قدیم در جواب به مسئله شرور با توجه به مصادیقی از شرور است که تا آن زمان شناخته شده بود؛ شروری مثل زلزله سیل، طوفان، مرگ و بیماری از جمله شروی هستند که همواره ذهن بشر را به خود معطوف کرده است و خدا پرستان را به این پرسش واداشته است که چرا خدا جلوی این شرور را نمی‌گیرد و منکران خدا را به این مسئله مشغول کرده است که اگر خدا هست، چرا جلوی این شرور را نمی‌گیرد؟

با جدید شدن مصادیق شرور، سؤال‌های جدید نیز ولو از سنخ سؤال‌های قدیم به وجود می‌آید که در هر زمان وظیفه متکلم است که پاسخ آن را بدهد؛ حال یا با همان سبک قدیم و یا با استفاده از پیشرفت علوم در فایده‌انگاری شرور، جواب‌ها را قابل فهم‌تر کرده و به مخاطب ارائه نماید.

تقریباً تمامی کتاب‌های کلامی به بحث شرور پرداخته‌اند؛ اما بیشتر منابع کلام اسلامی تا چند دهه پیش با رویکرد کلام قدیم به بررسی این مسئله می‌پرداختند که چندی است علاوه بر رویکرد کلام قدیم، با رویکرد کلام جدید نیز به این بحث پرداخته شده است. به نظر می‌رسد هر دو رویکرد لازم و ضروری است؛ چرا که در قدیم با این مسئله، یکی از صفات خدا به عنوان عدالت مورد هجمه واقع می‌شد و اکنون با این مسئله به اصل وجود خدا به صورت منطقی پرداخته می‌شود.

شهید مطهری را می‌توان از کسانی دانست که علاوه بر رویکرد کلام قدیم به این مسئله با رویکرد کلام جدید نیز پرداخته است و برخی از ابعاد مسئله را مورد بررسی قرار داده است؛ البته این که پرداختن به این مسئله به رویکرد کلام قدیم و کلام جدید نسبت داده می‌شود و دارای بازه زمانی تلقی می‌گردد، بدان معنی نیست که اشکالات کلام جدید را نمی‌توان از کتاب‌ها و آرای عالمان مسلمان به دست آورد؛ چرا که این بحث و بسیاری دیگر از مباحث کلام جدید را می‌توان از آثاری هم‌چون «تفسیر المیزان» و دیگر کتاب‌های مرجع به دست آورد.

اثر دیگر، پایان‌نامه کارشناسی ارشد در رشته فلسفه با عنوان «مسئله منطقی شر از دیدگاه علامه طباطبایی» است که توسط یکی از اندیشه‌وران مسیحی به نام آلوین پلانتینگا نوشته شده بود و در سال ۱۳۹۰ توسط نویسنده مقاله به کتاب تبدیل شد. در آن اثر اثبات شد علاوه بر این که این مباحث را می‌توان ولو به صورت غیر مستقیم از آثار عالمان مسلمان استنباط کرد، هم‌چنین می‌توان برتری جواب‌های علمای مسلمان را نسبت به اندیشه‌وران غربی به وضوح یافت.

سایر آثاری که به بررسی این مباحث پرداخته‌اند نیز عبارتند از:

- «مسئله شر از دیدگاه جی ال مکی^۲ و فلاسفه اسلامی»، حوران اکبرزاده، فصلنامه حکمت سینوی، ۱۳۸۳، شماره ۲۵-۲۴.
- «مسئله منطقی شر از دیدگاه آلوین پلانتینگا»، اعلی تورانی و معصومه عامری، فصلنامه حکمت اسراء، ۱۳۹۱، شماره ۲.
- «خدا و مسئله شر»، یدلله رستمی، فصلنامه فلسفه دین، ۱۳۹۳، دوره ۱۱، شماره ۴.
- «مسئله شر از دیدگاه جان هیک^۳»، سیده زهرا حسینی و دیگران، فصلنامه جستارهایی در فلسفه و کلام، ۱۳۹۵، شماره ۹۶.

بیشتر کتاب‌های کلامی که به نوعی به مسئله شر پرداخته‌اند، هر یک تلاش نموده‌اند مسئله را مورد بررسی و پاسخ قرار دهند؛ اما هر روزه انسان‌های جدیدی به کره خاکی پا نهاده و با شبهاتی روبه رو هستند که اگر به آن‌ها جواب در خور داده نشود، در ایمان ایشان تأثیر دارد؛ از این رو در هر زمان و علی‌رغم این که جواب‌هایی به بحث شرور در کلام قدیم و جدید داده شده است، باید برای هر مصداقی از شرور که به تازگی کشف می‌شود و مسائل جدیدی را به وجود می‌آورد،

1. Alvin Plantinga
2. John Leslie Mackie
3. John Harwood Hick

جواب‌های گوناگونی داد که هر کس با هر سلیقه و سطح سوادی نسبت به فلسفه شرور و به ویژه شر جدید آشنا شده و ایمانش نسبت به خدا نه تنها ضعیف نشود؛ بلکه قوی‌تر نیز بشود. در عین حال، پدیده بررسی ویروس کرونا از حیث پیشینه با توجه به نوظهور بودن آن چندان مورد کنکاش قرار نگرفته و مسئله‌ای است که در حال پردازش است.

مبانی نظری مسئله شرور

معنای لغوی شر عبارت است از:

«الشر اسم للذائل والالام وهو نقیض الخیر». (الخلیل، ۱۹۷۳: ۷۰۵) شر در لغت اسم جامعی است برای تمام ذائل اخلاقی و دردها و شر نقیض خیر است.

در برخی کتاب‌ها نیز معنای لغوی شر را همان رذیله و گناه دانسته‌اند؛ (الخوری، ۱۳۷۴، ج ۳: ۴۳) پس یکی از معانی شر در لغت، گناه و پستی است و به کسی که دارای رذیله اخلاقی باشد، شریر اطلاق می‌شود.

از طرف دیگر، شر از حیث معنای اصطلاحی همان معنایی است که اغلب مردم در مورد وضعیت‌هایی که شر تلقی می‌شود، اتفاق نظر دارند. فیلسوفان نیز کم و بیش بر سر مصداق واژه شر و مواردی که این واژه بر آن‌ها اطلاق می‌شود، اجماع دارند؛ اما در مورد معنای این واژه اختلاف نظرهای فراوانی است. بعضی از وضعیت‌هایی که مسلماً مصداق شر هستند، عبارتند از درد طاقت‌فرسا، رنج انسان‌های بی‌گناه، معلولیت‌های جسمی، اختلالات روانی، اختلالات شخصیتی، بی‌عدالتی و بلاهای طبیعی. (پیترسون و همکاران^۱، ۱۳۷۶: ۱۷۷)

از نظر عرفی نیز معنای شر؛ یعنی آن‌چه عموم مردم از آن متنفر بوده و باعث ناراحتی مردم می‌شود، اما خیر چیزی است که خوشایند مردم است. این تعریف از خیر و شر، تعریفی ابتدایی و عرفی است؛ چرا که خیر و شر می‌توانند بر عکس آن‌چه عرف می‌فهمد، باشد.

قرآن کریم می‌فرماید:

«... وَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ وَعَسَى أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ»؛ (بقره، ۲۱۶) و چه بسیار شود که چیزی را مکروه شمارید، ولی به حقیقت خیر و صلاح شما در آن بوده و چه بسیار شود چیزی را دوست دارید و در واقع شر و فساد شما در آن است و خدا می‌داند و شما نمی‌دانید.

به طور کلی، غالب مردم خیر و شر را از امور وجودی می‌پندارند؛ اما هم اندیشه‌وران اسلامی و هم غربی ارائه تعریفی مفهومی و جامع را برای خیر و شر امری مشکل تلقی می‌کنند. در عین حال، بوعلی سینا تقابل خیر و شر را تقابل «عدم و ملکه» می‌داند؛ (مطهری، ۱۳۷۳، ج ۷: ۷۵) اما به تعبیر علامه جعفری، بوعلی نتوانسته برای خیر و شر تعریف جامع و صحیحی ارائه دهد. (جعفری، ۱۳۷۲) هم‌چنین برخی بر این باورند که تاکنون ارائه تعریفی مفهومی از شر، قرین توفیق نبوده و تنها راه تعریف در مقوله خیر و شر را می‌توان تعریف مصداقی دانست. (ملکیان، شماره ۷۹۷) به عنوان مثال؛ در تعریف شر می‌توان گفت شر عبارت است از زلزله، آتشفشان، سرطان، دروغ، غیبت، تهمت، زنا و غیره.

در دنیای غرب نیز از آن‌جا که متفکران بر این باورند که نمی‌توان به حقیقت واقعی اشیا رسید، در باب خیر و شر به دنبال کشف حقیقت و تعریف آن نیستند؛ هم‌چنان که جان هیک فیلسوف انگلیسی بر این باور است که نباید سراغ تعریف خیر و شر رفت. (هیک، ۱۳۷۶: ۹۵) علی‌رغم این مباحث، متفکران اسلامی به جستجوی تعریف خیر و شر رفته و در صدد روشن نمودن مفهوم شر هستند و هر يك با کم و یا اضافه کردن قیود، کوشش نمودند برای خیر و شر تعریف مفهومی جامعی ارائه دهند.

مطلب دیگر، انواع شرور است که در ادامه به برخی از تقسیم‌بندی‌های رایج مسئله شر از نگاه متفکران اسلامی و غربی اشاره می‌شود:

- خواجه نصیرالدین طوسی

شرور دارای دو قسم جزئی و کلی است که شرور جزئی به شروری اطلاق می‌شود که هر چند نسبت به يك شیء شر است؛ اما نسبت به چیز دیگر ممکن است خیر باشد، مانند آتش که نسبت به شخصی که آتش در خانه وی افتاده و ضرر مادی وارد کرده، شر است؛ اما نسبت به شخصی که از آتش برای طبخ نان و غذا استفاده می‌کند، خیر است. شرور کلی نیز به شروری اطلاق می‌شود که نسبت به همگان شر باشد؛ مثل نبود آتش که نبود این نعمت الهی برای همگان شر است و زندگی انسان‌ها را مختل می‌کند. (طوسی، ۱۳۶۳: ۴۱-۴۶)

- سدید الدین الحمصي

شرور دارای دو قسم است: شرور طبیعی و شرور اخلاقی یا معاصی. او نسبت دادن شرور طبیعی را به خداوند بی‌مانع می‌داند؛ اما نسبت دادن شرور اخلاقی را جایز نمی‌داند و می‌گوید این‌گونه شرور را باید به عبد نسبت داد. (الحمصي، ۱۴۱۲: ۱۹۸-۱۹۷)

- صدرا المتألهین شیرازی

ملاصدرا علاوه بر اشاره به شر اخلاقی مثل افعال زشتی از قبیل زنا و تهمت به اقسامی دیگر از شرور اشاره دارد و در کتاب «شرح اصول کافی»، شرور را چهار قسم معرفی می‌کند.

۱. امور عدمی؛ مثل فقر، موت و ناداری‌ها
۲. شرور ادراکی؛ مثل درد، رنج و جهل مرکب
۳. شرور اخلاقی؛ مثل افعال زشت و ناروا
۴. مبادی شرور اخلاقی یا ملکات رذیله؛ مانند شهوت و غضب و بخل. (صدرا المتألهین شیرازی، ۱۳۷۰: ۲۹۴)

- آگوستین قدیس^۱

شرور به دو قسم اخلاقی و طبیعی تقسیم می‌شود. او شرور اخلاقی را گناه دانسته و شرور طبیعی را کیفر گناه می‌داند و تمامی شرور را به همین دو قسم تقسیم می‌کند؛ یعنی پاره‌ای از شرور را همان گناهیانی می‌داند که در بشر رایج است و پاره‌ای دیگر از شرور مثل سیل و زلزله را نتیجه و کیفر گناهان می‌داند. (ملکیان، شماره ۷۹۷: ۱۰)

- مایکل پیترسون

این متفکر غربی نیز شرور را شامل دو قسم اخلاقی و طبیعی دانسته و معتقد است شرور طبیعی همان دردها و رنج‌ها است که از نامایمات طبیعی برای انسان حاصل می‌شود و شرور اخلاقی را می‌توان به سوء استفاده از اختیار تعریف کرد. (پیترسون و همکاران، ۱۳۷۶: ۱۷۸-۱۷۷)

- سایر متفکران

سایرین نیز شرور را علاوه بر دو قسم طبیعی و اخلاقی، دارای نوع سومی به نام شر متافیزیکی می‌دانند که عبارت است از شری که از نقص و کاستی در ممکن الوجود بودن به وجود می‌آید. در این معنا، همین که فرد ممکن الوجود است و درک می‌کند ممکن الوجود است، احساس کاستی می‌کند که احساس کمبود از این جهت را شر متافیزیکی می‌گویند.

گروهی دیگر از اندیشه‌وران نیز درد و رنج روحانی و جسمانی را قسمی جداگانه دانسته و عملاً شرور را چهار قسم معرفی کرده‌اند: (ملکیان، شماره ۷۹۷: ۱۰-۸)

- شر ناشی از درد و رنج جسمانی و روحانی
- شر اخلاقی
- شر طبیعی
- شر مابعدالطبیعی.

نتیجه این‌که آن‌چه میان متفکران مسلمان و غربی متفق است، شرور به دو دسته اخلاقی و طبیعی تقسیم می‌شود و بر همین اساس منظور از شر در این پژوهش، همان شرور طبیعی مانند بلایای طبیعی از جمله سیل و زلزله و خشکسالی و هر آن چیزی است که عامل پیدایش طبیعت و قوانین حاکم بر آن باشد و شرور اخلاقی نیز مثل ظلم و جنگ به آن دسته شروری گفته می‌شود که از اختیار انسان نشئت می‌گیرد.

بنا به این تقسیم‌بندی، ویروس کرونا را می‌توان یکی از مصادیق شر طبیعی دانست؛ البته اگر عامل به وجود آمدن این ویروس انسان باشد، می‌توان بر آن شر اخلاقی نیز نام نهاد؛ اما از جهتی که این ویروس از قوانین حاکم بر طبیعت نشئت می‌گیرد و بشر تنها با علم خود آن را کشف کرده است، شر طبیعی را می‌توان به آن اطلاق کرد.

تنوع رویکردها به مسئله شرور

مواجهه با مسئله شرور رویکردهای مختلفی به همراه داشته است که در این بخش به سیزده مورد از این رویکردها اشاره خواهد شد و در نهایت، رویکرد مورد نظر و مختار انتخاب می‌گردد:

۱. رویکرد ثنویت؛ برخی به خاطر این مسئله قائل به ثنویت شده و هم برای شر و هم برای خیر، دو مبدأ جداگانه قائل شده‌اند با عنوان خدای خوبی‌ها و خدای بدی‌ها یا «اهورامزدا» به مثابه خدای خیر و آفریننده خوبی‌ها و «اهریمن» که خدای بدی و آفریننده بدی‌ها در عالم است. (مصباح یزدی، ۱۳۷۹، ج ۲: ۶۴)
۲. رویکرد توهمی دانستن شرور؛ برخی بر این باورند که مجموعه عالم، توهمی بیش نیست و شرور از جمله این جهان متوهم است؛ لذا شرور نیز توهمی بیش نیست. این دیدگاه را به برخی مکاتب فلسفی هند نسبت می‌دهند.
۳. رویکرد شرنما بودن شرور؛ در این رویکرد، شرور هر چند واقعیت دارند؛ اما فی نفسه شر نبوده و نسبت به انسان که وی را از لحاظ گوناگون تهدید می‌کند، شر نامیده می‌شود. در غیر این صورت، شر فی نفسه بد نیست و همه چیز در جای خود خیر است و این ما هستیم که

- فکر می‌کنیم شر بد است. این رویکرد را به باروخ اسپینوزا^۱ فیلسوف هلندی نسبت داده‌اند. (سعیدی مهر، ۱۳۷۶: ۱۱)
۴. رویکرد «هر چه آن خسرو کند، شیرین بود»؛ اشاعره بر این باورند که حسن و قبح شرعی است و معنی خوبی و بدی را پس از فعل الهی می‌توان فهمید؛ لذا هر اتفاقی که در عالم می‌افتد، چون فعل خدا است، خیر است. (همان: ۲۱۰)
۵. رویکرد اعتماد به خدا و سکوت؛ اهل حدیث بر این باورند که در خصوص افعال الهی باید به خدا اعتماد داشت؛ پس هر چه می‌کند، کسی حق ندارد از آن بحث کند؛ بلکه باید به خدا اعتماد کرد و شیوه سکوت را پیش گرفت. (مصباح یزدی، ۱۳۷۹، ج ۲: ۵۰)
۶. رویکرد عدمی دانستن شرور؛ از دیدگاه برخی فلاسفه از جمله افلوپین^۲ و پیروانش، شر بر نبود خیر اطلاق می‌شود. با این دیدگاه می‌توان مسئله «تهافت شر» با ثنویت را حل کرد؛ چون وقتی به نبود خیر، شر اطلاق شود، نبود چیزی نیاز به علت ندارد؛ پس اگر کسی برای شرور دنبال علت می‌گردد، در اشتباه است. شاید بتوان ملاصدرا را از جمله قائلین به این نظریه دانست. (صدرالمتألهین شیرازی، ۱۳۸۳، ج ۷: ۸۶-۸۵)
۷. رویکرد نسبی دانستن شرور؛ برخی فلاسفه شرور را نسبی دانسته و بر این باورند که شر نسبت به انسان شر و بد است، اما نسبت به خود، خوب است. این‌که شر امری قیاسی است، طرفدارانی دارد. (صدرالمتألهین شیرازی، ۱۳۸۳، ج ۷: ۸۶-۸۵؛ طوسی، ۱۳۸۶، ج ۳: ۳۳۷؛ طباطبایی، ۱۳۵۰: ۱۵۸)
۸. رویکرد جدایی ناپذیری شرور از ماده؛ شیخ اشراق شر را ملازم حرکت می‌داند و انتساب شر به خداوند را از آن‌جا که حرکت در خداوند نیست، منتفی می‌داند. (سهروردی، ۱۳۸۳: ۱۶۰) بنابراین، عالم ماده عالم کاستی‌هاست و این کاستی‌ها لازمه جدایی ناپذیر ماده است، پس نمی‌تواند عالم مادی وجود داشته باشد؛ ولی نقص و کاستی نداشته باشد. با این تبیین، شر لازمه ماده است و نسبت آن به خداوند صحیح نیست؛ چرا که شر لازمه امکان است و اگر چیزی امکان داشتن و نداشتن را نداشته باشد، در وی شری نیز متصور نیست. پس هر شری در عالم از ماده است که عالم تراحم و تضاد است و عالمی که از قوه به فعل در حرکت باشد، تصور شر در آن منطقی است و نه عوالم بالاتر «فمجال الشر مداره هو عالم المادة التي تتنازع فيه الاضداد وتتمانع فيه مختلف الاسباب وتجري فيه

1. Baruch Spinoza
2. Plotinus

الحركات الجوهرية والعرضية التي يلازمها التغيير من ذات الي ذات ومن كمال الي كمال».

(طباطبایی، ۱۴۲۶: ۳۱۲ و ۲۷۲)

۹. رویکرد غلبه خیر بر شر؛ ارسطو^۱ موجودات عالم را به پنج دسته تقسیم کرده و معتقد است تنها دو دسته از آنها می‌توانند موجود باشند و یا آفریده شوند: خیر محض و خیر موجود که بیشتر از شرش باشد. (صدرالمتألهین شیرازی، ۱۳۸۳، ج ۷: ۶۸) توضیح این مطلب در ادامه خواهد آمد.

۱۰. رویکرد شرور، لازمه وجود اختیار در انسان؛ در این رویکرد شرور اخلاقی جواب داده می‌شود و آن این‌که اگر اختیار نبود، هیچ شر اخلاقی نیز در عالم نبود. این رویکرد نیز در ادامه خواهد آمد.

۱۱. رویکرد فایده‌انگاری شرور؛ در پاسخ به بحث شرور عده‌ای قائلند که نباید به پدیده‌های جهان به طور جزئی و به اصطلاح با جزء نگری نگریست، بلکه باید در همه ابعاد بررسی شود. به بیان دیگر، انسان نباید آن‌چه را که اصطلاحاً شر پنداشته می‌شود، به طور جزئی و در مقایسه با شیء‌ای خاص نگاه کند؛ بلکه اگر به لحاظ کلی و وسیع در همه زمان‌ها و مکان‌ها به شرور نگاه شود، به خاطر فواید زیاد شرور، هیچ‌گاه به آن‌ها شر اطلاق نخواهد شد. (خرازی، ۱۳۷۳: ۱۳۸-۱۳۷)

۱۲. رویکرد محدود کردن برخی صفات خداوند؛ برخی با مواجهه به مسئله شر چنین پنداشته‌اند که برخی صفات خدا از جمله قدرت یا علم خدا محدود است که نمی‌تواند جلوی شرور را بگیرد و این امور به گونه‌ای هستند که به وجود آمده‌اند و خدا نیز نمی‌تواند جلوی آن‌ها را بگیرد، چرا که با خواست او نبوده است؛ بلکه قانون عالم که خدا نیز جزئی از این عالم است، چنین می‌باشد و باید با آن‌ها ساخت تا از بین بروند. در الهیات پویشی، چنین فکر می‌کنند. (سعیدی مهر، ۱۳۷۶: ۲۱۰)

۱۳. رویکرد انکار وجود خدا؛ عده‌ای از ملحدان، مسئله شر در عالم را قوی‌ترین قرینه بر عدم وجود خدا دانسته و با این مسئله ادله اثبات خدا را به چالش می‌کشند. افرادی مثل دیوید هیوم^۲ و جی ال مکی با طرح این مسئله که وجود شرور منطقاً با وجود خدا سازگار نیست و با عنوان مسئله منطقی شر به اثبات عدم وجود خدا می‌پردازند.

1. Aristotle

2. David Hume

از میان رویکردهای مورد اشاره در پاسخ به مسئله شرور و در ضمن آن ویروس کرونا، به نظر می‌رسد سه رویکرد قابل قبول باشد؛ چرا که هم می‌توان با استفاده از آن به شرور اخلاقی و طبیعی پاسخ داد؛ به گونه‌ای که برای اهل علم ملال آور نباشد و هم به گونه‌ای است که برای عموم مردم نیز قابل فهم‌تر است. البته این پژوهش قصد بررسی و صحت و سقم رویکردهای مورد اشاره را ندارد؛ بلکه بهترین را انتخاب و در پاسخگویی استفاده می‌کند.

بررسی شرور اخلاقی و طبیعی و مسئله کرونا

در جواب به مسئله شرور طبیعی از جمله ویروس کرونا از رویکرد غلبه خیرات بر شرور در نظام طبیعی که از ابداعات ارسطو است، استفاده می‌شود. ارسطو برخلاف استادش افلاطون^۱ که قائل به عدمی بودن شرور بود، آن‌ها را وجودی می‌دانست و جواب را با قبول این امر به پیش می‌برد؛ هر چند قبول داشت که خیر مساوی وجود و شر مساوی عدم است؛ ولی این‌که شر را عدمی دانست و فلسفه شرور را با این تفکر، حل شده فرض کرد، قبول نداشت؛ لذا شیوه‌ای جدید ابداع کرد.

ارسطو جوابی داده که علمای اسلامی نیز آن را قبول کرده و نوعاً به این جواب پر وبال می‌دهند. همان‌طور که اشاره شد، موجودات عالم را به پنج دسته تقسیم می‌کند؛ خیر محض، شر محض، خیر و شر مساوی، خیر بیشتر از شر و خیر کمتر از شر که تنها دو دسته را موجود و بقیه را غیر موجود معرفی می‌کند. بر این اساس، دسته اول و دسته چهارم وجود دارد؛ اما در عالم، وجود سه قسم دیگر محال است؛ چرا که شر محض همان عدم محض است و عدم محض نیز وجود ندارد. آن‌چه که شرش بیشتر از خیرش باشد نیز به وجود نمی‌آید؛ چون چیزی که عدمش بیشتر از وجودش باشد، هرگز به وجود نمی‌آید. هم‌چنین چیزی که خیر و شرش با هم مساوی است نیز به وجود نمی‌آید؛ زیرا حکیم چنین چیزی را نمی‌آفریند. چنین امری مانند این است که کسی يك چیز را بسازد و همین‌که ساخته شد، آن را خراب کند و از بین ببرد.

به نظر ارسطو هر چه در عالم وجود دارد یا خیر محض است؛ یعنی هیچ عدمی در او راه ندارد و تمامش وجود و خیر است و یا خیرش بیشتر از شرش می‌باشد؛ از این رو خداوند آن را به وجود آورده است؛ چرا که اگر خداوند آن را نمی‌آفرید، خیر بزرگتری را از دست می‌داد.

به بیان دیگر، نیافریدن آن‌چه خیرش بیشتر از شرش است، شر بزرگ‌تری است. طبق نظر ارسطو خداوند هر چه آفریده حتماً خیرش بیشتر از شرش است و اگر خداوند شرور عالم را نمی‌آفرید، از خیر بزرگتری باز می‌ماند. بنابراین برای این‌که از خیر بزرگتری باز نماند، چیزی را آفریده که هر چند

1. Plato

شر دارد، اما خیرش بیشتر از شرش است. پس علت وجود شرور همان بیشتر بودن خیر آن است، در نتیجه خداوند به خود اجازه می‌دهد آن را بیافریند.

از نظر ارسطو، خیر محض تنها يك مصداق دارد و آن خدا است؛ اما غیر از خدا هر چیزی که در عالم موجود است، خیرش بیشتر از شرش می‌باشد.

پذیرش این نظریه در نگاه اول مشکل و غیر قابل قبول به نظر می‌آید؛ زیرا طوفان‌های عظیم، جنگ‌های خانمان‌سوز و وجود افراد شروری مثل یزید، هیتلر، صدام و از همه بالاتر وجود شیطان و در این زمان ویروس کرونا این نظریه را که این‌ها خیرشان از شرشان بیشتر است، زیر سؤال می‌برد.

به نظر می‌رسد اگر به دقت بررسی شود، روشن خواهد شد که در نظام کلی عالم، خیر این‌ها بیشتر از شرشان است؛ چرا که اگر خداوند می‌خواهد انسان از راه اختیار به کمال برسد، لازمه اختیار، وجود جنگ و خونریزی، دروغ و تهمت و دیگر شرور اخلاقی است و نمی‌شود انسان را دارای اختیار دانست، اما دست‌هایش را بست تا شر اخلاقی از او سر نزنند. این کار نشدنی است؛ زیرا اختیار به معنای آزادی در تصمیم و اراده و این‌که هر کاری را تمایل دارد، بتواند انجام دهد؛ چه آن کار خوب باشد یا بد، شر باشد یا خیر تلقی شود.

قرینه مدعا نیز آن‌که تمام جنگ‌ها و بی‌عدالتی‌ها از اختیار انسان سرچشمه می‌گیرد؛ چرا که خداوند عالم می‌توانست جهانی دیگر مانند عالم فرشتگان بیافریند که در آن جنگ، بی‌عدالتی، دروغ و هیچ شری نباشد؛ اما چنین اراده کرد که انسان با اختیار و اراده خود به کمال برسد و لازمه وجود چنین اختیاری نیز همین شروری است که مشاهده می‌شود.

بیان این نکته لازم است که اگر ویروس کرونا را انسان به وجود آورده باشد، به وجود این ویروس که جزو شرور اخلاقی می‌شود نیز همان جواب داده می‌شود؛ یعنی علاوه بر فواید بی‌شمار آن، این شر از اختیار انسان نشئت گرفته و جلوگیری از اختیار برای عدم پیدایش این ویروس نیز شری بزرگتر است و اگر از شرور طبیعی باشد که اثبات خواهد شد، باز هم خیرات بی‌شماری دارد که به برخی در ادامه اشاره می‌شود.

برای تکمیل پاسخ شرور اخلاقی که جواب ویروس کرونا نیز از آن فهمیده می‌شود، مناسب است علت وجود بالاترین شر در عالم، بررسی شود که در این صورت، تکلیف شرور کوچکتر به طور خودکار روشن خواهد شد.

سؤال اصلی این است که وجود شیطان برای چیست؟ اگر پذیرفته شود که وجود افرادی مثل یزید، هیتلر، صدام و دیگر جنایتکاران تاریخ نتیجه اختیار است، وجود شیطان که باعث زیادی گناه و ازدیاد شرور می‌شود، چه توجیهی دارد؟

به این پرسش راهبردی چنین پاسخ داده می‌شود؛ از آن‌جا که شیطان نیز مثل انسان دارای اختیار است و با اختیار خود به این درجه از بدی رسیده است، خداوند یا باید جلوی اختیار او را بگیرد که شیطان و انسان‌های بدی به وجود نیایند که لازمه آن نیز به وجود نیامدن اولیا و انبیا خواهد بود؛ چون اولیای الهی با اختیار خود به این مقامات می‌رسند و یا باید به انسان و جن اختیار دهد تا هر کس با اختیار به هر جا که می‌خواهد برسد، چه خوب و چه بد که لازمه آن نیز وجود شرور اخلاقی است. بنابراین شیطان و دیگر افراد شرور از آن‌جا که اختیار دارند، به این درجه رسیده‌اند. اگر چنین موجوداتی نباشند، باید جلوی اختیار انسان گرفته شود و در این صورت، انسان‌هایی مثل پیامبر اکرم ﷺ به این درجه از کمال الهی نمی‌رسیدند و این معنا به منزله شر عظیمی است.

طبق نظر ارسطو نبود شر در عالم، خود شری عظیم است؛ یعنی اگر شیطان و بی‌عدالتی نباشد، انبیا و اولیا به وجود نمی‌آیند و نبود ایشان نیز همان‌طور که بیان شد، شری عظیم است؛ زیرا در این صورت، خیر کثیری از بین می‌رود.

با این پاسخ ارسطو بر شرور اخلاقی اگر کرونا را شر اخلاقی دانست، جواب چنین می‌شود که اگر خدا به این ویروس اجازه ورود می‌دهد، به این سبب است که ویروس را انسان با اختیار خود برای جنگ با انسانیت کشف کرده و اگر خدا بخواهد جلوی این کار را بگیرد؛ یعنی جلوی اختیار را باید از انسان بگیرد؛ اما این‌که فایده ویروس کرونا چیست؛ در جواب می‌توان گفت اولاً یک فایده کلی دارد که بیان شد، یعنی وجود این‌ها از اختیار است و وجود اختیار، خیر عظیمی است و به عبارت دیگر، وجود اختیار برای انسان خیرش به مراتب از شروری مثل جنگ و بی‌عدالتی و کرونا بیشتر است و آن به کمال رسیدن انسان است.

ثانیاً این‌که گفته می‌شود خدا اجازه داده است؛ اجازه به معنی اجازه تکوینی است و نه اجازه تشریحی؛ یعنی خداوند هرگز راضی به جنگ و بی‌عدالتی نیست و در کتاب‌های آسمانی نیز از آن نهی کرده است؛ اما اگر کسی بخواهد با اختیار خود جنگ کند و یا ویروس تولید کند و با آن جنگ کند، از آن‌جا که خداوند جلوی اختیار انسان را نمی‌گیرد و این عدم جلوگیری خیر بیشتری برای انسان دارد؛ لذا اجازه وجود می‌دهد.

پرسش دیگر آن است که چگونه شرور طبیعی مثل سیل و زلزله و یا کرونا اگر یکی از قوانین موجود در عالم باشند، پاسخ داده می‌شود؟

در پاسخ باید گفت که شرور طبیعی مثل زلزله، سیل، طوفان و کرونا لازمه نظام طبیعی است؛ یعنی اگر انسان بخواهد با این نظام طبیعی زندگی کند و زمینه برای آزمایش وی فراهم گردد؛ باید کره خاکی به صورت فعلی موجود باشد. کره خاکی نیز با تمام ویژگی‌های فعلی‌اش، سیل و زلزله و

طوفان و قوانینی که منجر به بسیاری از بیماری‌ها می‌شود را به همراه دارد؛ پس باید درون کره زمین مواد مذاب باشد و مواد مذاب نیز لرزه ایجاد می‌کند یا برای پیدایش مواد معدنی مثل نفت که در ادامه حیات بشری لازم است، باید زلزله ایجاد شود.

هم‌چنین برای این‌که بخارهای روی اقیانوس حرکت کنند، نیاز به بادهای شدید است تا کره زمین را از باران سیراب کند؛ از این رو باید طوفان به وجود آید. پس باید موجوداتی که اکنون هستند، باشند که هر یک در عالم وظیفه‌ای دارند که چون علم انسان اندک است، نمی‌تواند به حقیقت مطلب برسد.

بر این اساس خفاش اگر علت ایجاد کرونا است، وجودش در عالم ضروری است و این پدیده یک قانون در طبیعت است و ممکن است مثل صدها بیماری دیگر به علل مختلفی برای انسان ایجاد شود. مهم این است که انسان‌ها با این پدیده و مثل این پدیده‌ها چگونه برخورد کرده و چگونه به وظیفه انسانی دینی خویش عمل کنند؛ پس فرقی میان این ویروس و دیگر ویروس‌ها و دیگر پدیده‌های عالم نیست.

برای روشن شدن مطلب، توجه به این مثال راهگشا خواهد بود: در تعریف عدد ۵ گفته می‌شود عددی بعد از عدد ۴ و قبل از عدد ۶ است؛ یعنی یکی از ذاتیات عدد ۵ بعد از ۴ بودن است و نمی‌توان عدد ۵ را تصور کرد که قبل از عدد ۴ باشد. به اصطلاح فلاسفه «الذاتی لا یُعَلَّل»؛ یعنی برای ذاتی اشیا نمی‌توان دلیل آورد.

مثال دیگر آن‌که وقتی گفته می‌شود نمک شور است، نمی‌توان برای اثبات شوری آن دلیل آورد؛ چون شوری نمک ذاتی است یا وقتی گفته می‌شود آب خیس است؛ رطوبت، ذاتی آب است و نیاز به دلیل و اثبات ندارد.

با این وصف، کره زمین نیز که بهترین زیستگاه برای زندگی انسان است، چنین بوده و سیل و زلزله و کرونا لازمه ذاتی آن است؛ بنابراین دو کار باید در خلقت انسان انجام می‌گرفت: یا انسان به همین صورت آفریده شود که لازمه آن همین مشکلات و سختی‌هاست؛ زیرا آزمایش و امتحان در سایه اختیار و تکامل با آزمایش معنا دارد و یا این‌که اصلاً انسان آفریده نمی‌شد و یا موجودی دارای اختیار نبود که در این صورت پدیده‌هایی مثل سیل و زلزله نیز ایجاد نمی‌شدند؛ چرا که نیازی به کره زمین نبود و وقتی کره زمین نباشد، شرور طبیعی نیز نخواهند بود؛ آن‌گاه هیچ انسانی به کمال نمی‌رسید.

خدای متعال در آفرینش انسان، وجه دوم را انجام نداد؛ هم‌چنان که موجودات دیگری خلق کرد که در عالمی دیگر زندگی می‌کنند که در آن عالم، سیل، طوفان، مرگ و بیماری وجود ندارد که همان عالم ملانک است. نکته قابل توجه این است که در عالم ملانک هیچ موجودی نمی‌تواند

به کمال برسد و هر چه هست همان است که بوده است؛ لذا آن عالم به خاطر ویژگی‌های خاصش نیاز به کره زمین ندارد. این در حالی است که خداوند اراده کرده تا انسان را بیافریند و انسان اگر بخواهد زندگی کند، باید در کره زمین و با اختیار زندگی کند تا بتوان وی را امتحان کرده و به کمال خویش رسانید و لازمه کره زمین نیز وجود این شرور است. (ر. ک: سنجری، ۱۳۹۰)

در انتهای این بخش و همان‌طور که وعده داده شده بود، مناسب است به برخی از فواید بی‌شمار بیماری از جمله ویروس کرونا با تأکید بر وضعیت آن در داخل کشور اشاره شود:

- احساس نیاز بیشتر به موعود آخرالزمان و امام عصر علیه السلام و رسیدن به مرحله اضطراب به ظهور ایشان؛ بشر به طور فطری وقتی به اضطراب می‌رسد، رو به سوی مبدأ و خلیفه می‌کند که این ویروس برای خیلی از انبای بشر، این نیاز و اضطراب را محقق کرد.
- رونمایی جدید از قدرت نظام اسلام متکی بر ولایت؛ وقتی ولی فقیه، جانباختگان مدافع سلامت را شهید نامیده و کار در راستای مبارزه با این ویروس را جهاد می‌شمارد، نه تنها کسی از معرکه فرار نمی‌کند، بلکه فوق تخصص بیماری عفونی نیز آن‌قدر کار می‌کند تا ناخودآگاه بیهوش می‌شود و بعد از مدتی تلاش مخلصانه به شهادت می‌رسد.
- ایجاد اخوت میان مردم با تبدیل تهدید به فرصت؛ فرصت ایجاد شده با تکرار اخوت و مهربانی میان مردم است که نمونه آن در زمان جنگ تحمیلی مشاهده شد.
- جمع ثواب برای اهلش؛ ویروس کرونا مقدمه‌ای برای همگان ایجاد کرد تا هر داوطلبی بتواند به کمال از هر نوعش برسد.
- رونمایی از قدرت و حقانیت اقتصاد مقاومتی؛ این ویروس نشان داد هر کشوری به هر توانی که باشد اگر متکی به کشورهای دیگر باشد، در چنین مواقع بحرانی شکست خواهد خورد، اما اگر علاوه بر ارتباط منطقی با کشورهای دیگر بر توان داخلی خود تکیه کند و اقتصاد مقاومتی را در دل خود پرورش دهد، نه تنها پیروز میدان است؛ بلکه جریان استعمار نیز در صدد الگوگیری از این روند خواهد شد و حتی به زبان می‌آورد.
- درخشش چندباره روحانیت در کنار مردم و برای مردم؛ مشاهده شد که چه تعداد از روحانیون به صورت داوطلبانه در کنار کادر درمان جانفشانی کردند، هم‌چنان که پیش از این در سایر صحنه‌های بحرانی مثل سیل و زلزله به کمک مردم شتافته بودند.
- رونمایی آشکار از حقیقت غرب؛ سال‌های متمادی در داخل و خارج گفته شد دین افیون ملت‌هاست و خرد جمعی می‌تواند همه مشکلات را حل کند و تاریخ مصرف دین و خدا گذشته است و بشر از نظر فناوری به نقطه اوج خود رسیده و فناوری از این پس

رشد طولی ندارد؛ بلکه رشد عرضی دارد و از این قبیل مطالب، اما شیوع ویروس کرونا نشان داد بشر مغرور چقدر ضعیف است و چقدر زود ابرقدرت‌ها به زانو درمی‌آیند. ویروسی با پنج گرم که حقیقت باطن غرب و نظام پراگماتیستی^۱ مبتنی بر اصالت سود را نشان داد تا جایی که چنان‌علیه یکدیگر موضع گرفتند که به عنوان مثال گفته شود حکایت ایالات متحده آمریکا و اتحادیه اروپا^۲ مصداق این آیه شریفه است که «تَحْسَبُهُمْ جَمِيعًا وَقُلُوبُهُمْ شَتَّى» (حشر، ۱۴).

- احتمال نوید بزرگ؛ شاید ویروس کرونا مانند موربانه زمان رسول اکرم ﷺ باشد که نوید شکستن محاصره اقتصادی ظالمانه کفار نسبت به حضرت را داد و بعد از آن، کفار شکست خوردند و در رشد تمدن اسلامی نقطه عطفی ایجاد شد. این ویروس نیز چه بسا باعث شود در دوران بعد از کرونا، گام دوم انقلاب با سرعت بهتر و بیشتری به پیش رود و زمینه‌ای برای ایجاد تمدن اسلامی و زمینه‌سازی ظهور منجی بشریت فراهم شود.

نتیجه‌گیری

بنا به ماهیت این پژوهش، اثبات شد که زوایای مسئله شرور چیست و از چه کیفیتی قابل بحث است؛ لذا انواع و رویکردهای حل و عقد آن طرح شد و در نهایت رویکرد مختار گزینش شد و از دل آن به بررسی و پاسخ به مسئله شرور پرداخته شد.

نتیجه‌نهایی پژوهش بر این اصل استوار شد که بیماری‌ها مثل ویروس کرونا و یا هر بیماری دیگری مطابق با مسئله شرور، یا شر اخلاقی است و یا شر طبیعی و در هر دو صورت چون خیرش بیشتر است، خداوند اجازه تکوینی به آن می‌دهد. از طرفی نیز بیشتر بودن خیر چیزی مثل ویروس کرونا به صورت کلی بیان شد؛ اما آنچه از خیر بودن این ویروس به صورت جزئی و آنچه عقل انسان به آن می‌رسد نیز در قالب شمارش چند عامل بیان شد.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم.
۲. اکبرزاده، حوزان (۱۳۸۳). مسئله شر از دیدگاه جی ال مکی و فلاسفه اسلامی. حکمت سینوی. شماره ۲۵-۲۴: ۷۸-۵۳.
۳. پیترسون، مایکل. هاسکر، ویلیام. رایشنباخ، بروس. و دیوید بازینجر (۱۳۷۶). عقل و اعتقاد دینی. ترجمه احمد نراقی و ابراهیم سلطانی. تهران: انتشارات طرح نو.

1. Pragmatism

2. European Union (EU)

۴. تورانی، اعلیٰ. و معصومه عامری (۱۳۹۱). مسئله منطقی شر از دیدگاه آل‌وین پلانتینگا. حکمت اسراء. دوره ۵. شماره ۲ (پیاپی ۱۴): ۱۵۳-۱۲۱.
۵. سهروردی، شهاب‌الدین (۱۳۸۳). حکمة الاشراف. ترجمه سید جعفر سجادی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۶. جعفری، محمد تقی (۱۳۷۲). تجلیل شخصیت خیام. چاپ ۳. تهران: انتشارات مؤسسه کیهان.
۷. حسینی، سیده زهرا. آتشگر، کریم. و نرگس نظرنژاد (۱۳۹۵). مسئله شر از دیدگاه جان هیک. جستارهایی در فلسفه و کلام (مطالعات اسلامی). دوره ۴۸. شماره ۹۶: ۶۳-۴۱.
۸. الحمصی، سدید الدین (۱۴۱۲). المنقذ من التقلید. قم: مؤسسة النشر الإسلامی.
۹. خرازی، سید محسن (۱۳۷۳). بداية المعارف في شرح عقائد الإمامية. چاپ ۴. قم: مؤسسة النشر الإسلامی.
۱۰. خلیل، الجبر (۱۹۷۳). معجم موسوعي للجمع لاروس. پاریس: مکتبه لاروس.
۱۱. الخوری، سعید (۱۳۷۴). اقرب الموارد. تهران: دار الأسوة للطباعة والنشر.
۱۲. رستمی، یدالله (۱۳۹۳). خدا و مسئله شر (درد و رنج). فلسفه دین. دوره ۱۱، شماره ۴ (پیاپی ۲۱): ۷۵۸-۷۴۱.
۱۳. سعیدی مهر، محمد (۱۳۷۶). دادورزی و تقریری نواز مسئله شر. نقد و نظر. شماره ۱۱-۱۰: ۲۱۳-۱۹۸.
۱۴. سنجر، غلامعلی (۱۳۹۰). مسئله منطقی شر از دیدگاه علامه طباطبایی و آل‌وین پلانتینگا. قم: مؤسسه بوستان کتاب.
۱۵. صدرالمتألهین شیرازی، صدر الدین محمد (۱۳۷۰). شرح اصول کافی. بتصحیح محمد خواجه‌جوی. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
۱۶. صدرالمتألهین شیرازی، صدر الدین محمد (۱۳۸۳). اسفار اربعه. ترجمه محمد خواجه‌جوی. تهران: انتشارات مولی.
۱۷. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۴۲۶). نهاية الحکمة. چاپ ۱۲. قم: مؤسسة نشر الإسلامی.
۱۸. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۵۰). اصول فلسفه و روش رئالیسم. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۹. طوسی، خواجه نصیر الدین (۱۳۶۳). روضة التسليم. بتحقیق ولادیمیر ایوانف. تهران: انتشارات جامی.
۲۰. طوسی، خواجه نصیر الدین (۱۳۸۶). شرح الإشارات والتنبیها. قم: مؤسسه بوستان کتاب.
۲۱. مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۷۹). آموزش فلسفه. تهران: شرکت چاپ و نشر بین الملل.
۲۲. مطهری، مرتضی (۱۳۷۳). مجموعه آثار (۷). چاپ ۳. تهران: انتشارات صدرا.
۲۳. ملکیان، مصطفی (شماره ۷۹۷). جزوه کلام جدید. قم: کتابخانه مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته.
۲۴. هیک، جان (۱۳۷۶). فلسفه دین. ترجمه بهزاد سالکی. تهران: انتشارات الهدی.